

فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت
دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۹۶

Research Journal of Islamic Philosophy and
Theology of Shahid Beheshti University
کد مقاله: ۱۶۶۶۹

مبانی کلامی نظام اصلاح اجتماعی معصومان (ع)

محمدحسین مدنی*
محمدعلی مهدوی راد**
روح الله شهیدی***

چکیده

اصلاح اجتماعی، به طور کلی، دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب و بهبود وضع جامعه است. پیشوایان معصوم ضمن شناخت بُعد اجتماعی انسان و ترغیب مؤمنان به جمع‌گرایی، به آسیب‌های اجتماعی و اصلاح آن‌ها نیز توجه داشته‌اند. اصلاح‌گری معصومان در ساحت اجتماع، نظام‌مند بوده و در چهار بخش هدف‌گذاری، موضوع، برنامه و مجری اصلاح اجتماعی سامان می‌یابد. پژوهش حاضر، با تحلیل آموزه‌های دین، مهم‌ترین مبانی کلامی متناسب با هر یک از اجزای نظام اصلاح اجتماعی معصومان را ارائه می‌دهد. بر پایه یافته‌های تحقیق، مبانی کلامی مرتبط با هدف‌گذاری اصلاح اجتماعی، عبارت‌اند از توحیدمحوری در تمامی حرکت‌ها و باور به معاد و نظام جزا و پاداش اخروی. مبانی مربوط به موضوع و سوژه اصلاح اجتماعی، به ویژگی‌های انسان از جمله اصالت و تکامل‌پذیری روح می‌پردازد. جامعیت و جاودانگی دین نیز از مبانی کلامی مرتبط با برنامه و قانون اصلاح اجتماعی به شمار می‌رود. آخرین گروه نیز مبانی مربوط به راهبر برنامه اصلاح اجتماعی است. نبی و امام به عنوان مجریان نقشه اصلاحی، لزوماً دارای عصمت‌اند، پیوند ناگسستنی با وحی دارند، داناترین مردمان‌اند نسبت به صلاح و فساد جامعه و آگاه‌ترین‌اند در شناخت روش‌ها و راهکارهای اصلاح.

کلیدواژه‌ها: اصلاح اجتماعی، مبانی کلامی، اصلاح‌گری معصومان، معصومان و جامعه، مبانی اصلاح، هدایت دینی.

hmadani@ut.ac.ir

* دکتری علوم قرآن و حدیث و پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

** عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

shahidi@ut.ac.ir

*** عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۸

مقدمه

حکیمان مسلمان دلیل رویکرد انسان به اجتماع را «مدنی بالطبع» بودن آن (رازی، ج ۲، ص ۵۲۳؛ سبزواری، ص ۲۱۵) و اجتماع و مدنیت را برای رسیدن به کمال، لازم و ضروری دانسته‌اند (مظفری، ص ۹۷). قرآن مجید، اجتماع را به خوبی می‌شناسد و از آثار و فواید فراوان زندگی اجتماعی آگاه است؛ از این رو، مردم را به سوی ساختن جامعه‌ای سربلند و ایجاد روح جمعی دعوت می‌کند (سیفعلی، ص ۲۹). خدای متعال رستگاری انسان را در برقراری روابط اجتماعی صحیح در سایه تقوای الهی می‌داند (آل عمران/۲۰؛ رک. طباطبایی، ج ۴، ص ۹۲؛ امین، ج ۳، ص ۳۷۹). پیشوایان معصوم و مفسران حقیقی آیات الهی، به واقعیت ضرورت زندگی اجتماعی انسان تصریح نموده و به برقراری روابط اجتماعی سالم، در چارچوب قوانین الهی دستور داده‌اند. از منظر رسول خدا(ص) بهترین مؤمنان آنانند که با دیگر مؤمنان انس و الفت دارند (طوسی، ۱۴۱۴ق، م ۱۶، ص ۴۶۲، ح ۱۰۳۰). امام صادق(ع) نیز ارتباط و معاشرت انسان‌ها با یکدیگر را اجتناب‌ناپذیر می‌داند (کلینی، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۱؛ مفید، م ۲۳، ص ۱۸۵-۱۸۶، ح ۱۲).

از کارکردهای هدایتی معصومان، علاوه بر هدایت ابتدایی، مراقبت از رفتار و باور پیروان است که یکی از مهم‌ترین جلوه‌های آن، اصلاح‌گری است. آنان بر مبنای رسالت الهی، بر اصلاح تمامی ساحت‌های زندگی و به طور خاص، فراز و فرودهای اجتماعی حیات بشر همت گمارده‌اند. ورود معصومان(ع) به اصلاح آسیب‌های اجتماعی و به عبارت دیگر لزوم مداخله آنان در اصلاح‌گری ابعاد مختلف اجتماع در راستای تقویت کمالات انسانی بر بنیان‌های معرفتی و وحیانی استوار است. این مبانی زمینه‌ساز بهره‌گیری از راهکارها و روش‌های اصلاح‌گر آنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی است. بخشی از این بنیان‌های نظری جنبه کلامی دارند که در متون دینی به تصریح یا تلویح مورد اشاره قرار گرفته‌اند و پژوهش حاضر عهده‌دار بازیابی و تحلیل آن‌هاست.

مبانی: گزاره‌های بنیادین و زیرساختی هستند که اصول، قواعد و راهکارهای عملیاتی بر آن‌ها استوار شده است. به عبارت دیگر، مبانی، مفاهیمی نظری و معرفتی‌اند که هیچ‌گاه وارد حوزه اجرا و عمل نمی‌شوند، بلکه همواره در نگرش و اندیشه پژوهشگر، چراغ راهنمای او از سقوط در لغزش‌ها و آسیب‌ها می‌باشند (روحی و تجری، ص ۹۸).

مبانی کلامی عمدتاً نقشی پنهان و بدون سر و صدا ایفا می‌کند. استفاده از مبانی کلامی نقشی رسمی نیست تا بتوان به آن مراجعه و در نتیجه فکری را تولید، یا با شاقول آن تراز نمود. به سخن

دیگر، مبانی کلامی بدون آنکه فرد بخواهد یا بداند، سایه بر فرایند استنباط او می‌گسترده و ذهنیت‌ها و جهت‌گیری‌هایی خاص را فراروی او می‌گسترده. چنانچه مبانی کلامی و فرایند بهره‌گیری از آن‌ها شناسایی و تنقیح شود، می‌توان استفاده‌های بیشتر و مؤثرتری را از آن مبانی داشت (مبلغی، ص ۶۰).

اصلاح: واژه اصلاح از ماده «ص ل ح» است که معنای اصلی این ماده، «مخالف فساد» عنوان شده است (ابن فارس، ج ۳، ص ۳۰۳)؛ از این رو «أصلحه» که از باب افعال از ابواب ثلاثی مزید است در مقابل «أفسده» (فیروزآبادی، ج ۱، ص ۳۲۲) و «إصلاح» که مصدر این باب است نیز از نظر معنایی در مقابل «إفساد» قرار خواهد گرفت (جوهری، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ابن منظور، ج ۲، ص ۵۱۷ - ۵۱۶). برخی فعل «أصلحه» را «أقامه» معنا کرده‌اند (زبیدی، ج ۴، ص ۱۲۵) که «راست کردن کار» می‌باشد (زمخشری، ص ۱۹۲). معانی دیگر اصلاح عبارت‌اند از: نیکو و بهتر کردن، به صلاح آوردن، درست کردن، سروسامان دادن، رفع عیب و فساد چیزی (دهخدا، ج ۲، ص ۲۳۹۱-۲۳۹۲). در نتیجه، معنای لغوی اصلاح، «سامان دادن و بهبود بخشیدن» خواهد بود.

اصلاح اجتماعی: پدیده اصلاح و اصلاح‌گری می‌تواند به شئون مختلف یک جامعه بازگردد و از همین رو، متناسب با تنوع نهادها در یک جامعه، حوزه‌های عملکردی آن متنوع می‌گردد. دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و دیگر حوزه‌ها، مفاهیم اصلاح، اصلاح‌گری، اصلاحات و اصلاح‌طلبی را متناسب با نگرش‌های خود به کار برده‌اند. در حوزه سیاست، مفهوم اصلاحات (Reform)، از نظر حجم و دامنه تغییرات با مفهوم انقلاب (Revolution) قابل مقایسه است. انقلاب در اصطلاح علم سیاست عبارت است از تحول سریع، شدید و بنیادین که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد؛ در حالی که اصلاح عبارت است از تغییر در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی یک جامعه، حکومت، آیین، نهاد، و یا ساختار، بدون آنکه روح کلی و شاکله و ساختار سیاسی آن را دگرگون سازد. می‌توان گفت که اصلاح‌طلبی (Reformism) «اعتقادی است مبنی بر اینکه جامعه با دگرگونی‌های تدریجی و سطحی و همچنین با تصحیحی بطنی و پی در پی رو به بهبود می‌رود، بدون آنکه ساخت‌های اساسی مربوط به نظم مستقر، مورد تردید قرار گیرند» (بیرو، ص ۳۱۹). به طور کلی، در رویکردهای سیاسی - اجتماعی، اصلاح‌طلبی، اندیشه حاکم بر حرکت‌هایی است با هدف بهسازی نهادها و روابط اجتماعی (پاکتچی، ج ۹، ص ۲۲۰). با این نگرش، اصلاح‌گری در حوزه ساختارها و روابط اجتماعی،

«اصلاح اجتماعی» خواهد بود که تأثیر آن حتی گاه فراتر از انقلاب‌ها نیز قابل ارزیابی است. به عبارت دیگر، در اصطلاح اسلامی، اصلاح، نقطه مقابل فساد است؛ اعم از آنکه تدریجی و ظاهری و به اصطلاح عَرَضی باشد یا بنیادی و جوهری (زکریایی، ص ۹۳). از این منظر، هر خدمتی به جامعه در دایره اصلاح اجتماعی به شمار نمی‌آید. برای مثال پزشکی که از بامداد تا شامگاه بیماران را معالجه می‌کند، خدمت اجتماعی ارائه می‌کند، اما اصلاح اجتماعی نمی‌کند؛ زیرا اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب (مطهری، ج ۲۴، ص ۲۵-۲۶).

بر این اساس، مقصود از اصلاح اجتماعی را می‌توان «دگرگون ساختن جامعه در جهت مطلوب» و بهبود وضع جامعه دانست. آنگاه که «اصلاح» و «فساد» دو مفهوم ارزشی به حساب آیند، تعریف آن‌ها نیز جز با توجه به مبانی ارزشی جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. از این رو، در تعیین مصداق‌های اصلاح نیز باید هدف‌های مطلوب همان جامعه در نظر گرفته شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

مبانی کلامی معصومان در اصلاح اجتماعی

مبانی کلامی معصومان نقشی بنیادین و زیربنایی در شکل‌گیری نظام‌واره اصلاح‌گرایانه آن بزرگواران دارد. لازمه این امر آن است که این مبانی در تمام اصول و راهکارهای اصلاحی رسول خدا و اهل‌بیت(ع) جریان داشته باشد. از آنجا که مخاطب اصلاح‌گری معصومان، جامعه اسلامی است و ارزش‌های حاکم بر چنین جامعه‌ای، بر پایه تعالیم الهی شکل گرفته است، لذا اهداف مطلوبی که در اصلاح‌گری مد نظر قرار می‌گیرند نیز باید با هدف‌های متعالی شریعت اسلامی منطبق و سازگار باشد. مبانی کلامی معصومان(ع) در اصلاح‌گری گاه از ظاهر معارف آنان قابل دریافت است و گاه از فحوای کلی آموزه‌های ایشان استنباط می‌گردد.

۱. مبانی کلامی مربوط به هدف‌گذاری اصلاح اجتماعی

مهم‌ترین بخش از مبانی کلامی اصلاح اجتماعی معصومان(ع)، توجه به هدف غایی و متعالی انسان در ابعاد گوناگون اصلاح‌گری است. حرکت به سوی خدا و نیل به مقام خلیفه و جانشینی خدا، ارزشمندترین مطلوب در کمال انسانی به شمار می‌آید. بر این اساس، مبانی کلامی ناظر به این مقصد و هدف در میان مبانی اصلاحی معصومان نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. با این

دیدگاه، مبانی دوگانه ناظر به هدف اصلاح‌گری عبارت‌اند از: توحیدمحوری در اقدامات اصلاحی و لزوم باور به معاد و نظام جزا و پاداش اخروی.

توحیدمحوری؛ حرکت به سوی قرب الهی

خدای سبحان، انسان را مسافری می‌خواند که با شتاب و تلاش در حال سیر و سفر است و پایان سیر او نیز ملاقات با خداست. اگر توشه و تجهیزات کافی در اختیار انسان باشد، با رهبری ملکوتی، به سلامت از فراز و فرودهای دنیوی گذر می‌کند و به مقصد نهایی که ملاقات با خدای رحمان است، واصل می‌شود (جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۹۸):

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛

ای انسان، تو با تلاش بسیار، به سوی پروردگارت در حرکتی و به لقای او نایل خواهی شد (انشقاق/۶).

کسی که به سوی فضیلت و عدالت و استقلال و آزادی از غیر خدا و تواضع و فروتنی و پاکدامنی و امانت و... حرکت می‌کند، سیر الی الله دارد و کسی که به سوی رذیلت‌ها پیش می‌رود نیز به ملاقات خدا می‌رود؛ اما اولی به لقای ارحم الراحمین می‌رسد و دومی به ملاقات اشد المعاقبین (همان، ص ۱۰۰). انتهای مسیر تکامل انسان، «خليفة الله» شدن است (بقره/۳۰) که تنها انسان در میان موجودات عالم هستی، شایستگی آن را دارد. تنها زمانی امکان دارد آدمی به مبدأ غایی حقیقی خود نایل شود که تمامی اعمال، رفتار، حالت‌ها، عقاید و افکارش بر مبنای نگرش توحیدی شکل گرفته باشد؛ همچون الگوی موحدان، حضرت ابراهیم(ع) (ممتحنه/۴) که جز برای رضای پروردگار جهانیان حرکتی نکرد (انعام/۱۶۲).

قرآن کریم همچون افراد، برای «امت»ها نیز هویتی مستقل در نظر گرفته و برای جوامع، وجود، عمر (اعراف/۳۸)، کتاب (جاثیه/۲۸)، عمل (مائده/۶۶)، طاعت (آل عمران/۱۱۳) و معصیت (غافر/۵) قائل شده است (طباطبایی، ج ۴، ص ۹۶). بنابراین، علاوه بر دیدگاه فردی نسبت به تقرب الهی، حرکت جامعه به سوی تقرب الهی و توحیدمحوری را می‌توان مهم‌ترین هدف و مطلوب جامعه نیز به شمار آورد. از این رو، جامعه بشری نیز همچون آحاد جامعه، در صورت انحراف و افساد، نیازمند اصلاح مسیر حرکت خود خواهد بود. خدای متعال که کمال مطلق و ذات او مستجمع جمیع کمالات است و علاوه بر هدایت تکوینی و ابتدایی موجودات (طه/۵۰)، حقایق و ملکوت عالم نیز در اختیار اوست (یس/۸۳)، اصلاح حرکت فرد و اجتماع را بر عهده دارد.

اقدامات و تلاش‌های اصلاح‌گرایانه پیشوایان معصوم نیز بر همان مدار توحیدی استوار است و رسالت غایبی آنان، رساندن بشر به مقام خلیفه الهی است. از جانب خدای متعال بر آنان فرض است که از آحاد جامعه دست‌گیری کنند و آنان را به مقصد اصلی که قرب و تعالی الهی است رهنمون شوند. پیشوایان معصوم در راستای این هدف، اندک انحراف پیروان را نیز بر نتابیده، در صدد اصلاح آن برمی‌آمدند.

مفسر ارجمند، علامه طباطبایی، پس از آنکه «تفصیل» را در آیه شریفه (كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ) (هود/۱)، به جدا کردن اجزای چیزی که پیش از این متصل بوده است معنا می‌کند، با تطبیق این معنا بر «کتاب»، آیات قرآنی را در آغاز، محکم و سپس مفصل شده می‌داند. بر این اساس، آیات کریمه قرآن با همه پراکندگی‌ها در مضامین و مقاصدشان، به یک معنای بسیط برمی‌گردند، و همه غرض واحدی را دنبال می‌کنند. ایشان با اعتقاد به سرایت ریشه‌های توحیدی در همه عرصه‌های عقاید، اخلاق و اعمال، می‌نویسد:

توحید خدای تعالی، اگر آن طور که لایق ساحت قدس و عزت و کبریایی اوست در نظر گرفته شود، آن توحید در مقام اعتقاد مثلاً به صورت اثبات اسما و صفات حسناى الهی و اعتقاد داشتن به آن‌ها در می‌آید، و در مقام اخلاق، آدمی را متخلق به اخلاق کریمه‌ای از قبیل رضا، تسلیم، شجاعت، عفت، سخا و ... و مبرای از صفات رذیله می‌سازد و در مرحله عمل و ادار به اعمال صالح و تقوای از محرّمات الهی می‌کند. توحید خالص باعث می‌شود آدمی در هر یک از مراتب عقاید و اخلاق و اعمال، همان را داشته باشد که کتاب الهی از انسان‌ها خواسته و به آن دعوت کرده است، هم‌چنان که آنچه قرآن کریم از این مراتب و از اجزای آن بیان کرده هیچ یک را بدون توحید خالص تحقق‌پذیر نمی‌داند (طباطبایی، ج ۷، ص ۳۴۷).

از این منظر، باور توحیدی ریشه و مبنای تمامی اصول اعتقادی، دستورهای اخلاقی و احکام اجتماعی در اسلام به شمار می‌آید (مطهری، ج ۲۶، ص ۹۷). در صورتی که توحیدباوری با ولایت اهل‌بیت (ع) همراه گردد، اصلاح امور جامعه اسلامی را نتیجه خواهد داد:

بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا؛

خدا به ولایت شما (اهل‌بیت)، نشانه‌های روشن دین را به ما آموخت و آنچه را از دنیایمان تباه شده بود، اصلاح کرد (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۰۰، ح ۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶، ح ۳۲۱۳؛ همو، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۱).

بدین ترتیب، خدای متعال، خود، متکفل بهبود و اصلاح امور دنیوی شده است. اینکه این فراز از زیارت جامعه کبیره، به صورت ماضی و گذشته بیان شده، شاید در صدد بیان آن است که خدا با ولایت حضرات معصوم، تباهی امور را اصلاح و حجت را بر مردم تمام کرده است و جامعه اسلامی باید با بهره‌گیری از نشانه‌های آشکار الهی در مسیر توحید، ادامه مسیر دهد. بنابراین، حرکت بر مدار توحید، مبنایی‌ترین اصل در تحقق جامعه‌ای سالم، صالح، تکامل یافته و متعالی است و دوری از مراتب توحید در مقام اعتقاد و عمل، نتیجه‌ای جز انحطاط و تباهی و فروافتادن در ورطه نابودی نخواهد داشت. در نتیجه، رهبران معصوم، بر مبنای توحید، جامعه را به سوی اصلاح‌گری حقیقی سوق می‌دهند؛ چراکه اندیشه و عمل توحیدی تنها در آنان تبلور یافته و از این رهگذر توان رساندن جامعه را به غایت اصلی با محوریت توحید دارند. ادامه حرکت در مسیر نیل به هدف غایی خلقت و قرب الهی، نیازمند ارتقای افق اندیشه آدمی از ساختارها و چارچوب‌های دنیوی است. چنین امری، باورمندی به نظام جزا و پاداش حقیقی در سرای آخرت را ضروری می‌سازد.

معادباوری؛ تداوم‌بخش حرکت توحیدی

قواعد این جهانی به دلیل محدودیت‌های خاصی که دارد، به تنهایی تضمین‌کننده سعادت انسان نیستند. پاداش و عقاب اعمال در دنیا به سرانجام نهایی خود نمی‌رسد و حسابرسی به امور ریز و درشت به سرای دیگر واگذار می‌گردد. به عبارت دیگر، نگرش توحیدی جز در سایه باور به معاد و رسیدن تمام اجزای عالم به جزای حقیقی خود، بارور نخواهد شد.

از آنجا که حیات طیبه اخروی در گرو زندگی سالم دنیوی است، کوشش معصومان به ایجاد زمینه‌های سعادت دنیا و رستگاری آخرت معطوف گشته است. از این رو، اعتقاد به آخرت و ایمان به رستاخیز، از اساسی‌ترین مبانی معصومان(ع) در اصلاح ساحت‌های مختلف اجتماع و هموار ساختن مسیر برای دستیابی به اجتماع مطلوب بر محور توحید ارزیابی می‌شود. این امر در وعده رسول خدا(ص) به مردمان تمام دوران به وضوح نمایان است:

أَيُّهَا النَّاسُ! إِنِّي لَمْ أَدْعُ شَيْئًا يُقَرِّبُكُمْ إِلَيَّ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ نَبَأْتُكُمْ بِهِ؛

ای مردم! من هیچ چیزی که شما را به بهشت نزدیک و از آتش دور گرداند رها نکرده‌ام، مگر آنکه شما را بدان آگاه کردم (کلینی، ج ۵، ص ۸۳، ح ۱۱؛ و با اندک تفاوت: ج ۲، ص ۷۴، ح ۲؛ برقی، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۳۹۹؛ حرانی، ص ۴۰).

لازمه تضمین نبوی که در خطبه حجة الوداع ایراد شده، هدایت جامعه به سوی رشد و تعالی و اصلاح انحراف و کژروی آنان است، به گونه‌ای که پیروان واقعی ایشان هراسی از عقاب اخروی نداشته باشند. از سوی دیگر، یقین به معاد به عنوان محوری‌ترین بنیان در اصلاح عملکردها قلمداد می‌شود. امیرمؤمنان(ع) در این باره فرمود:

مَنْ أَيْقَنَ بِالْمُجَازَةِ لَمْ يُؤْثِرْ غَيْرَ الْحُسْنَى؛

هر که به کیفر و پاداش آخرت یقین داشته باشد، جز کار خیر را برنگزیند (آمدی، ص ۱۵۱، ح ۲۷۶۶).

انسان جزای حقیقی اعمال دنیوی خود را در آخرت به طور کامل دریافت می‌کند، پاداش و جزایی منطبق بر عدالت و آنچه استحقاق آن را داشته است. هر که به عادلانه بودن جزای الهی باورمند باشد، راهی را انتخاب خواهد کرد که بهترین سرنوشت را برایش رقم زند. مفسر بزرگ، علامه طباطبایی درباره نقش اصلاح گر معاد و قیامت با توجه به آیه ۱۱۰ از سوره مبارکه کهف، می‌نویسد:

اگر حساب و جزایی در کار نباشد هیچ داعی و ملزمی نیست که افراد را به پیروی از دین و به دست آوردن اعتقاد و عمل صحیح وادار سازد. همچنان که خدای تعالی فرموده: (إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ)؛ کسانی که از راه خدا به بیراهه می‌روند عذابی سخت دارند به جرم اینکه روز حساب را از یاد بردند(ص/۲۶).

ایشان با برداشتی منطقی از آیه شریفه، تنها احتمال وقوع معاد را نیز برای اصلاح عملکردها کافی می‌دانند:

و اگر پیروی از دین را متفرع بر رجاء معاد کرد، نه بر یقین به معاد؛ بدین جهت بوده که تنها احتمال بودن معاد کافی است که آدمی را به پیروی از دین وادار سازد؛ چون دفع ضرر محتمل واجب است (طباطبایی، ج ۱۳، ص ۴۰۶).

بنابراین، یقین به وجود آخرت و یا حتی احتمال وجود آن مبنی بر اینکه اعمال دنیوی در آن در پیشگاه الهی تجسم یابند، برای اصلاح عملکردها کافی است. تجسم و بازتاب اعمال نیز که در قرآن کریم (رک. آل عمران/۳۰) و روایات معصومان فراوان بدان اشاره شده است، در صورت تبیین صحیح می‌تواند مبنایی در اصلاح و تربیت جامعه قرار گیرد.

نمونه‌های فراوانی از توجه دادن به پیامدهای دیگرجهانی اعمال، در سیره اصلاحی معصومان(ع) قابل ردیابی است. برای مثال، یادآوری عقوبت و محرومیت‌های اخروی، از راهکارهای اصلاح آسیب بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی اجتماعی است. امام صادق(ع) فرمود:

هر مؤمنی که مال مؤمنی را نزد خود نگاه دارد و به او نپردازد، و آن مؤمن بدان مال نیازمند باشد، به خدا سوگند که غذای بهشتی را نخواهد چشید و از نوشیدنی گوارای ممهور (رحیق مختوم) نخواهد نوشید» (صدوق، ۱۳۶۴، ص ۲۴۰؛ برقی، ج ۱، ص ۱۰۰، ذیل ح ۷۲).

تشویق از طریق بیان ارزش و پاداش اخروی احساس مسئولیت نسبت به دیگران نیز در همین راستا بیان شده است. زمانی که قلب انسان برای رفع نیاز برادران مؤمنی که از او درخواستی دارند می‌تپد، در حالی که در میدان عمل، قدرت و توان برآوردن آن را ندارد، خدای تعالی به سبب همان اهمتامی که داشته است، به او وعده وارد شدن به بهشت داده است (رک. کلینی، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۴). بنابراین، حتی اندیشیدن به رفع حاجت‌های مؤمنان ارزشمند و با پیامدهای مثبت اخروی معرفی شده است. این نکته، اوج ظرافت‌اندیشی اهل‌بیت(ع) در اصلاح روابط اجتماعی را منعکس می‌نماید.

۲. مبانی کلامی مربوط به موضوع اصلاح اجتماعی

لازمه اصلاح‌گری مبتنی بر نگرش توحیدی، شناخت صحیح انسان به عنوان موضوع اصلاح‌گری و عضوی از جامعه است. اهمیت آشنایی با حقیقت انسان و ظرفیت و استعداد آن به اندازه‌ای است که بدون آن، امیدی به اصلاح انسان و جامعه وجود نخواهد داشت.

اصالت و تکامل‌پذیری روح

انسان «همان‌طور که در جانب کمال، احدی از موجودات هم‌تراز وی نیست، در جانب نقص و اتصاف به صفات رذیله نیز با او، هیچ‌یک از موجودات در میزان مقایسه نیاید» (موسوی خمینی، ص ۱۳۷). انسانی که در مسیر توحید و تکامل در حرکت است و برای مواجهه با عدل الهی به سرای دیگر چشم دوخته است، باید از اصالت روحانی برخوردار باشد و روح اصیل او نیز بایستی بر تعالی هر چه بیشتر توانا باشد؛ چراکه اصلاح، ارتقا و بهبود را به دنبال دارد.

در نتیجه، انسان علاوه بر بدن مادی، دارای نفس و روحی مجرد است که قوام انسانیت بدان استوار است؛ یعنی انسان مادامی که روح دارد، انسان محسوب می‌شود. به تعبیر فلسفی و کلامی «شیئة الشیء بصورته لا بمادته»، انسانیت انسان به روح اوست که در اصطلاح فلسفی صورت انسان تلقی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۲). بر مبنای اصالت روح و فرعیت جسم در حقیقت وجودی انسان، تمام ارزش‌های واقعی و رفتارهای انسانی بر روح استوارند و بدون لحاظ

اصالت برای روح، تمام اعمال و رفتار انسان پوچ و بی معنا خواهد بود. ادله بسیاری اصالت روح را به اثبات می‌رساند که آن را بی‌نیاز از برهان ساخته است. چنانچه این اصل پذیرفته شود، پذیرش این امر که روح و نفس آدمی به عنوان عنصر اصیل انسانی، تکامل‌پذیر است نیز امکان‌پذیر خواهد بود. این امر، از دیگر اصول فلسفی است که طبق حرکت جوهری روح با وجود حرکت بدن دارای حرکت اشتدادی است و جوهر نفس انسان با توجه به اعمال اختیاری که انجام می‌دهد سیر تکاملی‌اش را طی می‌کند و این گرایش به سوی کمال به واسطه اراده ظهور می‌کند (همان، ص ۳۳۳). از سوی دیگر، مجرد روح سبب جاودانگی و فناپذیر بودن آن می‌گردد.

با پذیرش این ویژگی‌های روحانی، اعمال صالح جاودانه می‌ماند و انجام آن‌ها، مقدمات جایگاه متعالی یعنی بهشت و رضوان الهی را برای فاعل آن فراهم می‌سازد و رفتار ناصالح نیز، موجبات شقاوت و بدبختی او را در دنیا و آخرت مهیا می‌سازد. چنین اعتقادی، کمال انسانی را در گرو انجام اعمال ارادی نیکو می‌داند که پاداش نیکو نیز نتیجه آن خواهد بود. اصلاح‌گر نمی‌تواند مصلح واقعی باشد، مگر آن که تعریفی صحیح از مقام و جایگاه انسان داشته و انسانیت را تنها در شاکله ظاهری و جسمانی محدود نسازد. کوشش‌های اصلاح‌گرایانه پیشوایان معصوم نیز بر مبنای ویژگی‌های روحی انسان سامان گرفته است.

به عنوان نمونه می‌توان به توجه آن بزرگواران به اصلاح انگیزه‌ها اشاره نمود. بنا بر آموزه‌های اسلامی کسب علم که به طور کلی امری پسندیده و گاه، فریضه شمرده شده است، چنانچه با انگیزه فخرفروشی و یا مباحات و جلب نظر مردم صورت گیرد، ارزشی ندارد و به فرموده رسول خدا (ص) عقوبت نیز به دنبال خواهد داشت (حرانی، ص ۴۴-۴۳؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۳، ح ۵۷۶۲). مصادیقی از اصلاح انگیزه‌ها در دیگر ساحت‌های اجتماعی از قبیل: سرودن شعر، کسب درآمد و تکریم و احترام دیگران نیز قابل ردیابی است (رک. مدنی، ص ۱۱۹-۱۱۱). از آنجا که انگیزه، امری نامحسوس و فراجسمی محسوب می‌گردد، اصلاح آن توسط معصومان (ع) بر مبنای تسلط آنان بر ابعاد روحانی وجود انسان قابل ارزیابی خواهد بود.

۳. مبانی کلامی مربوط به برنامه اصلاح اجتماعی

این بخش، به مبنای کلامی ناظر بر برنامه و قانون اصلاح اجتماعی می‌پردازد. جریان اصلاح

اجتماعی که برگرفته از تعالیم دینی است، همانند اصل دین، حرکتی با برنامه، همه‌جانبه، بی‌توقف و جاودانه است.

جامعیت و جاودانگی برنامه

لازمه خاتمیت دین اسلام، جامعیت و فراگیر بودن تعالیم آن است. به تعبیری دیگر، باید راز خاتمیت را در چگونگی رهنمودها و مقررات و شیوه طرح آن‌ها دانست، یعنی طرح جامع و کلی که بیان چیزی در آن فروگذار نشده باشد (راد، ص ۲۸۰). جاودانگی برنامه دین نیز به معنای فرازمانی و فرامکانی بودن و عدم تأثیرپذیری از فرهنگ زمانه می‌باشد. قرآن کریم نیز به عنوان آخرین، جامع‌ترین و کامل‌ترین مرام‌نامه حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها، در بیان اصول هدایتی، هیچ‌یک از مسائل اساسی سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی انسان را فروگذار نکرده است: (ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ) (انعام/۳۸ و نیز رک. انعام/۵۹ و نحل/۸۹؛ طباطبایی، ج ۷، ص ۸۲-۸۱). رسول خدا (ص)، مفسر حقیقی وحی، خطاب به مردم تمام دوران فرمود: «إِنِّي لَمْ أَدْعُ شَيْئًا...؛ من هیچ چیزی که شما را به بهشت نزدیک و از آتش دور گرداند رها نکرده‌ام، مگر آنکه شما را بدان آگاه کردم» (کلینی، ج ۵، ص ۸۳، ح ۱۱). این بیان، رساننده هر دو بُعد جامعیت و جاودانگی رسالت است؛ چراکه هر آنچه تا قیامت برای همگان نیاز است را شامل می‌شود.

پیشوایان معصوم، علاوه بر تبیین برنامه همه‌جانبه دین و هدایت اولیه، اصلاح همه ابعاد حیات بشر در برابر هرگونه انحراف را نیز بر عهده دارند. لذا، اصلاح‌گری آنان محدود به فضا یا موضوع خاصی نبوده و تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و مادی و معنوی را دربرمی‌گیرد. تحلیل گستره تلاش‌های اصلاح‌گرایانه معصومان بر اساس این مبنا کلامی، گستره زیر را نتیجه می‌دهد:

الف. تمام گونه‌های ارتباطات در دایره اصلاح‌گری معصومان قرار می‌گیرد. امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید:

مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ؛

آن که میان خود و خدا اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد (رضی، حکمت ۸۹، ص ۴۸۳؛ برقی، ج ۱، ص ۲۹، ح ۱۳).

بر این اساس، اصلاح رابطه با خدا تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و تعیین‌کننده مسیر حرکت انسان خواهد بود. کسی که با خالق خود پیوندی سالم و عمیق ندارد، با دیگر بندگان خدا هم

ارتباط مناسبی برقرار نخواهد کرد. روابط اجتماعی در صورتی به طور کامل اصلاح می‌گردد که روابط افراد با خالق و پروردگارشان به درستی شکل گرفته باشد.

ب. اصلاح‌گری در اندیشه اسلامی فرامکانی است و از منظر وسعت جغرافیایی، تمام سرزمین‌ها را در برمی‌گیرد. امیرمؤمنان(ع) ضمن دور دانستن خود از دنیاطلبی، هدف خود را بازگشت به اسلام راستین و اصلاح چشمگیر سرزمین‌ها معرفی می‌فرماید. استاد شهید مطهری، با عنایتی خاص به این خطبه حضرت^۱، بیان می‌دارد:

وَ تُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ. خیلی جمله عجبی است! «نُظْهِرَ» یعنی آشکار کنیم. اصلاح نمایان و چشمگیر، اصلاحی که روشن باشد، در شهرهایت به عمل آوریم. آن قدر این اصلاح، اساسی باشد که [تشخیص آن] احتیاج به فکر و مطالعه نداشته باشد، علائمش از در دیوار پیداست؛ به عبارت دیگر سامان به زندگی مخلوقات تو دادن، شکم‌ها را سیر کردن، تن‌ها را پوشانیدن، بیماری‌ها را معالجه کردن، جهل‌ها را از میان بردن، اقدام برای بهبود زندگی مادی مردم، زندگی مادی مردم را سامان دادن. علی(ع) همچنین در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته است وقتی که هدف‌های او را برای حکومت ذکر می‌کند که تو چه وظیفه‌ای داری، از جمله می‌گوید: وَ اسْتِصْلَاحَ اَهْلِهَا وَ عِمَارَةَ بِلَادِهَا (رضی، نامه ۵۳، ص ۴۲۷)؛ انسان‌ها را اصلاح کنی و شهرها را عمران نمایی (مطهری، ج ۲۴، ص ۱۱۳).

سرزمین‌های خدا، محدود به مکان خاصی نبوده و تمام بلاد را در بر می‌گیرد. نواده ایشان، امام حسین(ع) نیز، آشکار کردن اصلاح در سراسر جهان را از مأموریت‌های خود بر شمرده‌اند (حرانی، ص ۲۳۹).

ج. اصلاح‌گری علاوه بر ابعاد معنوی، تمام موضوعات مرتبط با زندگی مادی مردم را نیز شامل می‌شود و هدفش رفع فساد و تنگنا در امور زندگی دنیوی مردم است. در دعای بعد از نمازهای ماه مبارک رمضان از خدای متعال برای همگان، رفع مشکلات و اصلاح گستره وسیعی از امور درخواست شده است:

اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ اللَّهُمَّ افْضِ دِينَ كُلِّ مَدِينٍ
اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ أَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ
مِنَ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ.

بار خدایا! تمام فقیران را بی‌نیاز گردان، همه گرسنگان را سیر نما، تمام بی‌لباسان را پوشان، قرض همه مقروضین ادا فرما، گره از کار تمام گرفتاران بگشا، همه بی‌نویات را به وطن

بازگردان، تمام تباهی‌ها و فسادها را از کار مسلمانان اصلاح گردان و همهٔ بیماران را شفا عنایت فرما (کفعمی، ص ۲۲۳-۲۲۲).

البته بیان این نکته ضروری است که برطرف ساختن تمامی فسادها و اصلاح‌گری کامل، مانند آنچه در این دعای شریف آمده، تنها از عهدهٔ خدای یگانه ساخته است؛ اما این به معنای کناره‌گیری و بی‌تفاوتی نسبت به اوضاع زندگی ممنوعان نیست. همین که عباراتی نظیر آنچه در این دعا آمده است بر زبان آحاد جامعهٔ اسلامی جریان یابد، آنان را نسبت به اوضاع یکدیگر مسئول می‌سازد.

۵. اصلاح همهٔ ساحت‌های وجودی انسان مورد اهتمام پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت (ع) است. برای نمونه، در راستای اصلاح ظاهر و باطن آدمی، توجه به یک جنبه بدون در نظر گرفتن دیگری ممکن است مشکلات و عوارضی در پی داشته باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید:

مَنْ كَانَ ظَاهِرُهُ أَرْجَحَ مِنْ بَاطِنِهِ خَفَّ مِيزَانُهُ؛

کسی که وضع ظاهرش بهتر از باطنش باشد، ترازوی اعمالش سبک است (صدوق، ۱۴۰۰، ص ۷۴، ۴۹۲، ح ۸؛ حرانی، ص ۲۹۴).

چنانچه مظاهر تظاهر از جامعه زدوده شود و روابط اجتماعی بر مبنای یکرنگی همگان شکل گیرد، اصلاح ابعاد دیگر حیات اجتماع نیز با سهولت بیشتری صورت خواهد پذیرفت. ۵هـ. برخی اصلاح‌گری‌های موردی و خاص نیز می‌توانند ارزش فراگیر داشته، تأثیر گسترده‌ای در اصلاح وضع جامعه داشته باشد؛ همچون اصلاح عقاید انسان‌ها یا هدایت و خروجشان از گمراهی که بر اساس تبیین امام صادق (ع) از آیهٔ پنجم سورهٔ مائده، معادل احیای تمام مردم شمرده شده است (کلینی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۱؛ برقی، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۱، ح ۱۸۱).

۴. مبانی کلامی مربوط به مجری برنامه اصلاح اجتماعی

برنامهٔ جامع دین خدا و وحی الهی هیچ‌گاه بدون یک عنصر انسانی برگزیده به جامعهٔ انسانی عرضه نگشته است. هرچند با ختم نبوت، نزول وحی خاتمه یافته است ولی اعتبار آن تا قیامت باقی است. خاتمیت اسلام و جاودانگی کتاب و نبوت از یک سو و پیدایی نیازهای جدید در عرصهٔ حیات فردی و جمعی مؤمنان از سوی دیگر، حضور فردی در کنار قرآن را ضرورت می‌بخشد. این فرد باید همواره تا قیامت در کنار قرآن باشد تا به رسالت تبیینی و تعلیمی کتاب عمل کند. قرآن با ارجاع به پیامبر (ص) و رسول خدا با ارجاع به عترت خویش این مشکل را حل کرده‌اند (راد، ص ۲۷۷؛ و رک. کلانتری، ص ۲۸).

راهبری نبی و امام

در جای خود درباره حرکت توحیدی و مقصد نهایی انسان مباحثی گذشت. انسان در حال سیر و حرکت است و ناگزیر حرکت دهنده‌ای دارد؛ زیرا ممکن نیست که حرکت و متحرک وجود داشته باشد، اما محرکی در کار نباشد. امام کاظم (ع) نیز تصریح دارند که هر حرکت کننده‌ای نیازمند محرک است: «كُلُّ مُتَحَرِّكٍ مُّحْتَاجٌ إِلَى مَنْ يُحَرِّكُهُ أَوْ يَتَحَرَّكُ بِهِ» (کلینی، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۸۳، ح ۱۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸۶؛ مجلسی، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۵). این سخن، هم در رهبری مُلکی و ظاهری جامعه مطرح است و هم در رهبری ملکوتی و باطنی. امامان معصوم افزون بر آن رهبری ظاهری و اداره مُلکی، عهده‌دار این سیر درونی و رهبری ملکوتی جامعه بشری نیز می‌باشند (جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۱۰۱-۱۰۰).

فرار از رذیلت‌ها، رسیدن به فضیلت‌ها و در نهایت نیل به لقاءالله، مسیر و مقصد هجرت انسانی است. بنابراین کسی می‌تواند رهبری هجرت انسان را از پلیدی‌ها به سوی فضایل انسانی و اسمای حسنا الهی به دست گیرد که ساحت جاننش در سراسر عمر مبارک او از هر رجس و رجز و پلیدی، مبرا و منزّه بوده و حتی در کودکی، تن به تباهی نداده باشد، چه رسد به دوران بعدی. پس این مقام الهی، منحصر در پیامبر خدا و اهل بیت اوست؛ زیرا خداوند، با اراده خویش آنان را از هر پلیدی، پاک فرموده و با طهارتی وصف ناشدنی آن‌ها را تطهیر کرده است:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (احزاب/۳۳) (جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۳).

هدف بعثت انبیا از منظر متکلمان، بیان مصالح و مفاسد بیان شده است (حلبی، ص ۱۵۳). امیرمؤمنان (ع) حکمت بعثت انبیای الهی را یادآوری نعمت‌های از یاد رفته و ابلاغ دستورات خدا بر مردم و بیرون کشیدن دینه‌های خرد ذکر کرده‌اند (رضی، خطبه ۱، ص ۴۳). هدف و حکمت بعثت به انتهای مقصود خود نزدیک نخواهد شد مگر با اصلاح انحراف‌ها و بازگرداندن حرکت‌ها به مجرا و مسیر صحیح. استمراربخش رسالت نبوی در اندیشه کلامی امامیه، جریان امامت است. واژه «امامت» از یک سو «پیشوایی و راهبری» و از سوی دیگر «تبعیت و پیروی» را می‌رساند (حمصی رازی، ج ۲، ص ۲۳۵)، ولی اینکه این پیشوایی و پیروی در چه حوزه و قلمروی باشد یا در چه بُعدی از ابعاد زندگی انسان مطرح شود، از مفهوم لغوی واژه امامت خارج است. همچنین این واژه به خودی خود تعیین کننده بار ارزشی مثبت و منفی نیست (ضیایی فر، ص ۵۵۲).

گروهی از متکلمان امامیه، امام را «پیشوای دین و دنیا» معرفی کرده‌اند؛ برای نمونه شیخ مفید در تعریف امام می‌نویسد:

الإمام هو الإنسان الذي له رئاسة عامة في أمور الدين و الدنيا نيابة عن النبي(ص)؛ امام، کسی است که در امور دینی و دنیایی مردم به جانشینی از پیامبر(ص) ریاستی فراگیر دارد (مفید، النکت الاعتقادية، ص ۳۹).

برخی نیز امامت را مستقل و غیرنیابتی قلمداد کرده‌اند (خواجۀ طوسی، ص ۴۲۶). امام، در اصطلاح کلام شیعی، رهبر عموم مسلمانان در کارهای دینی و دنیوی آنهاست. امام جانشین پیامبر(ص) است و بنا به عقیده امامیه از سوی خدا تعیین می‌شود و به وسیله پیامبر یا امامی که رهبری جامعه را به عهده دارد، به مردم معرفی می‌گردد. امام دارای صفاتی است خاص و تا جهان باقی است وجود وی نیز واجب خواهد بود (دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۳۱). اداره سیاسی معصوم در جامعه برگرفته از رهبری عمومی و همه‌جانبه پیامبر و اهل‌بیت(ع) است. شیعه آنان را به عنوان رهبران سیاسی خود، پذیرفته و فرمان آنها را فرمان خدا و رسول او می‌داند، چنانچه از پیامبر خدا(ص) روایت شده:

إِسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا لِمَنْ وَكَلَهُ اللَّهُ الْأَمْرَ؛ فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.

از کسی که خداوند، او را بر شما ولایت داده است، شنوایی و اطاعت داشته باشید، که او [مایه] نظام یافتن اسلام است (مفید، الأمالی، م ۲، ص ۱۴، ح ۲).

شیعیان پیرو امامی هستند که خداوند، او را «حاکم» قرار داده است و چنین امامی، «نظام اسلام» است و اگر از دیگری پیروی شود، انسجام دین اسلام، گسسته می‌شود. مکتب شیعه، احدی را برای رهبری سیاسی، در رتبه معصومان(ع) نمی‌داند و از سویی، خرد حکم می‌کند که هرگاه رسیدن به مرتبه اعلا ممکن نباشد، باید به مرتبه‌ای پایین‌تر دست یازید و رها کردن جامعه، پسندیده نیست. بنابراین، نظریه مرفقی ولایت فقیه، با پشتوانه عقل و نقل، در زمان غیبت، شکل می‌گیرد و ولی فقیه، جامعه را برای ظهور منجی بشر آماده می‌نماید تا ولی مطلق، امام زمان(ع)، بشر را به سوی سعادت، رهنمون گردد (محمدری شهری، ص ۱۱۱-۱۱۰).

نقش‌های متعدد اجتماعی امامان معصوم در تناسب با نظریه اجتماعی اسلام قابل ارزیابی می‌باشد (رک. حکیم، ج ۱، ص ۲۳-۲۴). «بنابر تلقی شیعه از مفهوم امامت، امام یک جامعه، همان قدرت فائده‌ای است که حرکت جمعی و منش فردی افراد آن جامعه را توجیه و رهبری می‌کند و در آن واحد، هم آموزگار دین و اخلاق، و هم فرمان‌روای زندگی و تلاش آنهاست» (حسینی

خامنه‌ای، ۱۳۸۶، ص ۶۱-۶۲؛ همو، ۱۳۹۱، ص ۶۱-۶۰). از این منظر، پیشوایی اجتماعی امامان اهل‌بیت (ع) نیز در راستای اهداف امامت قابل فهم خواهد بود. بر اساس چنین اندیشه‌ای، اصلاح‌گری به صورت حقیقی و مؤثر ممکن نیست مگر به دست پیشوای معصوم (صدوق، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۹).

در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر در تمسک به آموزه‌های معصومان و اطمینان به اصلاح‌گری حقیقی آنان راهگشا خواهد بود:

الف. پیوند با وحی

موافقت کامل آموزه‌های معصومان با تعالیم و حیانی و روح حاکم بر آیات الهی از مهم‌ترین دلایل تمسک به سیره آن بزرگواران در جهت اصلاح ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. علاوه بر همراهی با آیات قرآنی، آن حضرات «مهبط الوحی؛ محل فرود وحی» نیز شمرده شده‌اند (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۹۶، ح ۱۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۰، ح ۳۲۱۳؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۱). بر اساس حدیث نورانی ثقلین، عترت پیامبر (ص) پیوندی ناگسستنی با قرآن دارد. علاوه بر اشراف خاندان پاک رسالت بر آغاز تا فرجام قرآن (صفار، ص ۱۹۴، ح ۶)، آن بزرگواران، انتساب احادیث مخالف با قرآن و سنت را نیز به خود مردود شمرده‌اند (طوسی، ۱۳۴۸، ص ۲۲۵-۲۲۴، ش ۴۰۱).

ب. دانش

دانش عام الهی، دانشی است که فرشتگان مقرب و پیامبران فرستاده شده‌اند او بر آن آگاهی دارند و همانا اهل‌بیت (ع)، از طریق پیامبر (ص) به آن آگاه شده‌اند (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸، ح ۱۴؛ محمدی ری‌شهری، ص ۷۷-۷۸). در برخی نقل‌های حدیث ثقلین، مرجعیت علمی اهل‌بیت (ع) با عبارت «لَا تُعَلِّمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ»؛ بدان‌ها چیزی نیاموزید، زیرا ایشان از شما داناترند (صدوق، ۱۴۰۰، م ۷۹، ص ۵۲۳، ح ۱؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱؛ حرانی، ص ۴۲۶)، بیان شده است. آیت الله العظمی بروجردی، در پژوهشی عمیق پیرامون حدیث گهربار ثقلین درباره هر یک از اجزای آن نکات ارزشمندی استخراج کرده‌اند. ایشان درباره عبارت مذکور به هفت نکته دقیق اشاره فرموده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. وجوب تعلم و یادگیری از عترت به منظور مصونیت از گمراهی.

۲. گستردگی احاطه و تسلط عترت(ع) بر احکام الهی، زیرا اگر چنین نبود، دستور اکید پیامبر(ص) به یادگیری از آنان، توجیه درستی نمی داشت.

۳. ناآگاهی غیر عترت از همه تکالیف شرعی که این امر سبب می شود تا در پرسش و یادگیری از آنان، نگرانی و بیم گمراهی برود.

۴. تسلط نداشتن غیر عترت، در فهم احکام و بیرون کشیدن آن از قرآن، زیرا اگر آنان نیز توان آن را می داشتند، وجهی برای لزوم ارجاع به اهل بیت(ع) و یادگیری از عترت دیده نمی شد.

۵. رد صلاحیت غیر اهل بیت(ع) در امر تعلیم و آموزش دین و حقایق آن.

۶. تحریم ارجاع به غیر اهل بیت(ع) در فراگیری دین، دو نکته اخیر از جمله «و لا تعلموهم» و تعلیل «فأنهم أعلم منکم» به دست می آید.

۷. تصریح بر اعلمیت عترت(ع) از امت، در همه علوم و معارف دینی و غیر دینی، که حذف متعلق «أعلم منکم» نشانگر این نکته است (بروجردی، ج ۱، ص ۸۲؛ به نقل از: رستمی، ج ۱، ص ۲۳).

امامان معصوم(ع) به واسطه پیوند با علم الهی، آگاه ترین مردم به شمار می روند (صدوق، ۱۳۹۵ق، ص ۲۵۴-۲۵۳، ح ۳). اصلاح گری حقیقی نیز بر اساس موارد فوق، منحصر در خاندان رسالت است؛ چراکه اصلاح گر بدون پشتوانه دانش، تلاش بی ثمر خواهد داشت و نتیجه ای عکس در انتظارش خواهد بود. کلام رسول خدا(ص) در این باره تنبیه آفرین است که فرمود:

مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ؛

هر کس بدون دانش کاری انجام دهد، آنچه تباه سازد بیش از آن چیزی است که درست کند (کلینی، ج ۱، ص ۴۴؛ برقی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۲۳؛ حرانی، ص ۴۷).

به طور طبیعی، از شرایط مورد نیاز جهت اقدام برای اصلاح نیز آن است که اصلاح گر، دانش کافی برای پیگیری آن را داشته باشد؛ در غیراین صورت، خود و دیگران را گرفتار می سازد (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۳۷، ح ۲۵). طلحه بن زید از حضرت امام صادق(ع) شنید که عمل بدون بهره مندی از علم و آگاهی منجر به دوری بیشتر از هدف می گردد:

الْعَامِلُ عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ الطَّرِيقِ لَأَيِّدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بَعْدَ؛

عمل کننده بی بصیرت مانند رونده به بیراهه است، و شتابش در رفتن جز بر دوری او از مقصد نیفزاید (کلینی، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱؛ برقی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۲۴؛ صدوق، ۱۴۰۰ق، م ۶۵، ص ۴۲۱، ح ۱۸؛ ترجمه از: اتابکی، ص ۳۶۸).

علم به موضوع مد نظر در اصلاح هر چه عمیق تر باشد، مُصلح را نسبت به جوانب گوناگون مسائل آگاه تر می‌سازد و این افزایش آگاهی و بصیرت، سبب تسریع در رسیدن به مقصد خواهد شد. خدای متعال به تناسب معرفت و دانشی که در اختیار عالمان و دانشمندان قرار داده است، از آنان مسئولیت نیز طلب نموده است. وظیفه عالم آن است که علم خود را از جامعه دریغ نکند. امیرمؤمنان(ع) در این زمینه می‌فرماید:

إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمُهُ يُبْعَثُ أَتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ رِيحًا يَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ حَتَّىٰ ذَوَابُّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ؛
عالمی که علمش را پنهان کند، بدبوترین اهالی قیامت برانگیخته خواهد شد، هر جنبنده‌ای -
حتی جنبنده‌های کوچک زمین - او را لعن می‌کنند (برقی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱۷۷؛ طبرسی،
۱۳۸۵ق، ص ۱۳۳).

یکی از بارزترین مظاهر کتمان علم توسط عالم، سکوت و انفعال او در موقعیتی است که جامعه با ظهور بدعت‌ها به سوی انحراف سوق پیدا می‌کند. رسول خدا(ص) فرمود:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛
آن‌گاه که بدعت‌ها در امت من آشکار شوند، باید عالم علم خود را آشکار کند، و
هر که نکند لعنت خدا بر او باد (کلینی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۲؛ برقی، ج ۱، ص ۲۳۱،
ح ۱۷۶؛ و نیز رک. صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵؛ همو، ۱۳۷۸ق، ج ۱،
ص ۱۱۳-۱۱۲، ۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۴).

بنابراین، نقش اصلاح‌گر دانشمندان و به طور خاص عالمان دین در راست کردن اعوجاج‌ها و انحراف‌های فکری و رفتاری، نقشی اساسی و غیر قابل انکار است. دانشمندی که دارای ژرف‌اندیشی مسئولانه باشد، مردمان پیرامون خود را از رحمت الهی ناامید نمی‌سازد و از عاقبت امور نیز ایمن‌شان نمی‌دارد (رضی، حکمت ۹۰، ص ۴۸۳؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۶، ح ۳؛ حرّانی، ص ۲۰۴).

بر این اساس، اصلاح‌گری در ساحت‌های مختلف اجتماعی را می‌توان به عنوان تکلیف و مسئولیتی بر عهده معصومان دانست؛ چه، داناترین مردمان‌اند به صلاح و فساد جامعه و آگاه‌ترین‌اند در شناخت روش‌ها و راهکارهای اصلاح.

نتیجه

معصومان(ع) بر پایه تکالیف هدایت‌گرانه‌ای که بر عهده آنان است، خود را نسبت به اصلاح

آسیب‌های خرد و کلان اجتماعی مسئول دانسته و آحاد جامعه را نیز نسبت به این امر حساس نموده‌اند. لزوم ورود آنان در اصلاح‌گری ابعاد مختلف اجتماع در راستای تقویت کمالات انسانی بر بنیان‌های معرفتی - وحیانی استوار است که مبانی کلامی اندیشه آنان را سامان می‌بخشد. نگرش جامع و تحلیلی به متون دینی و آموزه‌های معصومان راه بازیابی مبانی کلامی آنان در اصلاح اجتماعی را هموار می‌سازد و این امر، اساس بهره‌مندی از راهکارها و روش‌های اصلاحی آنان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی محسوب می‌گردد.

پژوهش حاضر، نظام‌واره‌ای منسجم و به هم‌پیوسته از مبانی کلامی اصلاح اجتماعی معصومان را ارائه نمود و از این رهگذر به تبیین برخی از مهم‌ترین مبانی کلامی در این حوزه پرداخت. مبانی کلامی نظام اصلاح اجتماعی معصومان بر مبانی مربوط به هدف‌گذاری، موضوع، برنامه و مجری اصلاح اجتماعی استوار است.

۱. مبانی کلامی مربوط به هدف‌گذاری اصلاح اجتماعی، به عنوان نخستین حلقه از زنجیره مبانی در نظر گرفته می‌شود. توحیدمحوری و معادباوری در تناسب با هدف اصلاح‌گری معصومان قابل بررسی و تبیین است. مقصد نهایی حرکت آحاد جامعه، قرب الهی و ملاقات خدای رحمان است. معارف دینی به طور یکپارچه به اصل توحید بازمی‌گردد و هیچ حرکتی خارج از مدار توحید قابلیت تفسیر ندارد. به بیان دیگر، نیل به جایگاه خلیفة‌اللهی هدف غایی تمامی اصول اعتقادی، دستورهای اخلاقی و احکام اجتماعی دین به شمار می‌رود. معصومان نیز تلاش‌های اصلاح‌گرایانه خویش را بر مبنای توحید سامان‌دهی کرده، هدف از اصلاح‌گری را رساندن آحاد جامعه به مقام قرب الهی قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، جوهره توحیدی و الهی در سراسر کوشش‌های اصلاحی معصومان(ع) جریان دارد. در مسیر توحید، موقعیتی برتر و والاتر از آنچه در این دنیا فراهم است، مورد نیاز خواهد بود. لذا، معصومان، اعتقاد به معاد را به عنوان اساسی‌ترین مبنا در اصلاح ساحت‌های مختلف اجتماع و هموار ساختن مسیر برای دستیابی به اجتماع مطلوب بر محور توحید در نظر داشته‌اند. هر که به عادلانه بودن جزای الهی باورمند باشد، راهی را انتخاب می‌کند که بهترین سرنوشت را برایش رقم زند؛ به گونه‌ای که تنها احتمال وقوع معاد نیز بنا بر قاعده و وجوب دفع ضرر محتمل، برای اصلاح عملکردها کفایت می‌کند.

۲. دومین گروه از مبانی کلامی در اصلاح اجتماعی، به موضوع و سوژه اصلاح‌گری معصومان می‌پردازد. شناخت انسان، به عنوان موضوع اصلی اصلاح، که ترکیب فرد فرد آن،

شکل دهنده جامعه است و آشنایی با ویژگی‌های روحانی آن امری ضروری است. پیشوایان معصوم به درستی انسان را می‌شناسند و اصالت را به بُعد روحانی او داده‌اند. از سوی دیگر، از امکان تعالی روحانی و تکامل‌پذیری روح او در اصلاح فرد و جامعه غفلت نورزیده‌اند.

۳. سومین دسته، مبانی کلامی معصومان، مربوط به برنامه و قانون اصلاح اجتماعی است. در این راستا به جامعیت و جاودانگی برنامه اصلاحی دین به عنوان دو مبنای مهم کلامی اشاره شد. اقتضای جامعیت دین آن است که عرصه‌های مختلف زندگی انسان تحت تدابیر اصلاحی پیشوایان معصوم قرار گیرد و جاودانگی دین نیز، سبب بهره‌مندی از این تدابیر در تمام زمان‌ها و مکان‌ها می‌گردد. تحلیل تلاش‌های اصلاح‌گرایانه معصومان بر اساس این مبنای کلامی، گستره وسیعی از موضوعات و مصادیق را در دایره اصلاحگری آن حضرات قرار می‌دهد.

۴. آخرین مبانی کلامی اصلاح اجتماعی، به مجری برنامه اصلاحی می‌پردازد. مجری برنامه الهی لزوماً عصمت دارد تا مسیر حرکت جامعه را به سوی قرب و رضایت الهی به درستی رهبری کند. انبیای الهی در هدایت بشر و استخراج گنج‌های نهان عقول، از هیچ تلاشی دریغ نکردند. در ادامه مسیر نبوت، امامت معصومانی از جنس پیامبران، جهت‌دهی انسان به سوی سعادت حقیقی را تضمین کرد. نبی و امام، در مقابل اندک فساد و انحرافی از برنامه صحیح تعالی، بی تفاوت گذر نکرده‌اند و بر مبنای اندیشه سراسر توحیدی خود، اصلاح مسیر جامعه را دنبال نموده‌اند. پیشوای معصوم (ع)، علاوه بر دارا بودن حیث امامت و رهبری جامعه، نظام دین است و آن واحد، هم آموزگار دین و اخلاق، و هم فرمانروای زندگی و تلاش آنهاست. با بررسی و کاوش هرچه بیشتر در مبانی کلامی معصومان در اصلاح اجتماعی، این نتیجه به دست می‌آید که امامت به واقع، نهادی پویا، اجتماعی، رصدگر و مداخله‌گر است و امام با توجه به مسئولیت الهی خود نسبت به مداخله اجتماعی الزام دارد. با این توضیح، امام، هم در صورتی که جامعه با آسیب مواجه باشد، اقدامات اصلاحی خود را به فعلیت خواهند رساند و هم در صورتی که برای جامعه هیچ تهدید و آسیبی فرض نشود، جامعه را به سوی تعالی بیشتر راهبری می‌نماید.

یادداشت

۱. اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا أَلْتِمَاسَ شَيْءٍ مِن فَضُولِ

الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَزْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ خُدُودِكَ (رضی، خطبه ۱۳۱، ص ۱۸۹)؛ خدایا! تو می دانی آنچه از ما رفت، نه به خاطر رغبت در قدرت بود، و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت. بلکه می خواستیم نشانه های دین را به جایی که بود بنشانیم، و اصلاح را در شهرهایت ظاهر گردانیم. تا بندگان ستم دیده ات را ایمنی فراهم آید، و حدود ضایع مانده ات اجرا گردد (ترجمه از: شهیدی، ص ۱۲۹).

۲. آیت الله العظمی بروجردی (ره) در تحقیقی پیرامون حدیث ثقلین، از تضمین پیامبر (ص) به عدم گمراهی در صورت پیروی از قرآن و عترت، مصونیت قرآن از تحریف و دستبرد و هم چنین، عصمت و پاکی عترت از دروغ، سهو و خطا را نتیجه گرفته است. به عقیده ایشان، مقتضای دستور پیامبر (ص) به پیروی از کسی یا چیزی، عصمت و پاکی آن است (بروجردی، ج ۱، ص ۷۳-۶۱).

منابع

قرآن کریم

- آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- ابن فارس، أحمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- اتابکی، پرویز، رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۶.
- امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱.
- برقی، أحمد بن محمد، المعاسن، قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
- بروجردی، سید حسین، جامع أحادیث الشیعة، قم، المطبعة العلمیة، ۱۳۹۹ق.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰.
- پاکتچی، احمد، «اصلاح طلبی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به اهتمام محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- جرجانی، میرسید شریف، کتاب التعریفات، تهران، ناصر خسرو، ۱۴۱۲ق.

- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (ج ۱۴، صورت و سیرت انسان در قرآن)، تنظیم غلامعلی امین دین، قم، اسرا، ۱۳۷۹.
- جوهری، إسماعیل بن حمّاد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
- حرّانی، حسن بن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (ع)، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، انسان ۲۵۰ ساله، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۱.
- _____، پیشوای صادق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- حکیم، سید محمد باقر، نقش اهل بیت (ع) در بنیانگذاری جماعت صالحان، ترجمه کاظم حاتمی طبری، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۹۱.
- حلبی، ابوالصلاح، تقریب المعارف، تحقیق رضا استادی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
- حمصی رازی، محمود بن علی، المنقذ من التقليد، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ق.
- خواجه طوسی، نصیرالدین، تلخیص المحصل، بیروت، دارالأضواء، ۱۴۰۵ق.
- دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- راد، علی، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن (با رویکرد نقادانه به آرای ذهبی، عسّال و رومی)، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
- رازی، فخرالدین، المباحث المشرقية فی علم الإلهیات و الطبیعیات، قم، بیدار، ۱۴۱۱ق.
- رستمی، علی اکبر، آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان (ع)، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۰.
- رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، مجموعه‌ای از سخنان امیر مؤمنان (ع)، نسخه صبحی صالح، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
- روحی دهکردی، احسان و محمد علی تجری، "اصطلاح شناسی مبانی تفسیر"، فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۷۷، زمستان ۱۳۹۴، ص ۹۴-۱۱۷.

زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

زکریایی، محمد علی، فرهنگ مطهر (مفاهیم، اصطلاحات و تعابیر علوم انسانی - دینی از دیدگاه استاد شهید مطهری)، تهران، جامعه و فرهنگ، ۱۳۸۹.

زمخشری، محمود بن عمر، مقدمه الأدب، مقدمه مهدی محقق، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
سبزواری، ملاهادی، رسائل حکیم سبزواری (مشمول بر مباحث مهم عرفانی و فلسفی و مسائل اعتقادی)، تصحیح جلال الدین آشتیانی، تهران، اسوه، ۱۳۷۰.

سیفعلی‌بی، فاطمه، اخلاق اجتماعی کاربردی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأملی (المجالس)، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.

_____، التوحید، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۹۸ق.
_____، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴.
_____، الخصال، قم: جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
_____، علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری، (افست از چاپ نجف اشرف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ق).

_____، عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.
_____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۹۵ق.
_____، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ق.
صفار قمی، محمد بن حسن بن فروخ، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

ضیائی فر، سعید، جایگاه مبانی کلامی در اجتهاد، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
_____، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، تحقیق صالح جعفری، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ق.

- طوسی، محمد بن حسن، *إختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)*، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
- _____، *الأمالی*، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- _____، *تهذیب الأحکام*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
- _____، *کتاب الغیبة*، تحقیق عباد الله تهرانی، قم، دارالمعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
- کنعمی، ابراهیم بن علی، *البلد الأمين و الدرع الحصین*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- کلانتری، ابراهیم، «نقش اهل بیت در حیات جاودانه قرآن»، *قبسات*، سال دوازدهم، ش ۴۵، پاییز ۱۳۸۶، ص ۲۱-۴۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
- لاهیجی، ملا عبدالرزاق، *سرمایه ایمان در اصول اعتقادات*، تصحیح صادق لاریجانی، تهران، الزهراء، ۱۳۷۲.
- مبلغی، احمد، «مبانی کلامی و کاربرد آن در فقه سیاسی امام خمینی»، *فصلنامه حضور*، ش ۳۳، پاییز ۱۳۷۹ش، ص ۶۰-۷۹.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- محمدی ری شهری، محمد، *تفسیر قرآن ناطق (شرح زیارت جامعه کبیره)*، با همکاری احمد غلامعلی، تهران، مشعر، ۱۳۸۷.
- مدنی، محمد حسین، «*معصومان و راهکارهای اصلاح اجتماعی*»، رساله مقطع دکتری علوم قرآن و حدیث، راهنمایان: محمد علی مهدوی راد و علی راد، مشاور: روح الله شهیدی، دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۹۵.
- مصباح یزدی، محمد تقی، *اصلاحات ریشه ها و تیشه ها*، تدوین قاسم شبانیا، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳.
- _____، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش: احمد حسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۲۴ و ۲۶، قم، صدرا، ۱۳۸۵.

مظفری، سید محمد، «مدنیّت بالطبع انسان از چشم انداز فلاسفه»، فصلنامه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی(ع)، ش ۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۹۳-۱۱۶.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الأمالی، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

_____، النکت الاعتقادیة (جلد دهم از سلسله مؤلفات الشيخ المفید)، تحقیق رضا مختاری، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

موسوی خمینی، سید روح الله، شرح چهل حدیث، تهران، عروج، ۱۳۸۸.

